ما و نیاز امروزینِ ما به پیامبر خدا«صلوات‌الله‌علیه‌وآله»

بسم الله الرّحمن الرّحیم

السَّلامُ عَلَیْکَ أَیُّهَا السِّرَاجُ الْمُنِیرُ السَّلامُ عَلَیْکَ أَیُّهَا السَّفِیرُ بَیْنَ اللهِ وَ بَیْنَ خَلْقِهِ، یا رسول الله

1- با تبریک به جهت بعثت رسول خدا«صلوات‌الله‌علیه‌وآله»، خداوند در قرآن در نسبت به جایگاه رسالت آن حضرت می‌فرماید: «لَقَدْ أَنْزَلْنا إِلَيْكُمْ كِتاباً فيهِ ذِكْرُكُمْ أَ فَلا تَعْقِلُونَ»(انبیاء/10) که این کتاب به یاد شما و برای کمال شما نازل شده، چه جایگاهی می‌تواند در زندگی شما داشته باشد؟ حال باید از خود پرسید:

2- آیا در این روزها و با نظر به رسالت نبی اکرم«صلوات الله علیه وآله» به آن نوع حضور که سبک زندگی ما را متوجه جهانی کند که محور آن نه غرب باشد و نه زندگی غربی و نه انسان غربی باشد و به انسانیت انسان ها و به عدالتی که با آن حضور پیش می آید فکر کرده ایم؟ در حالی که در آن کتاب که بر رسول خدا«صلوات‌الله‌علیه‌وآله» نازل شده، نوعی ورود در راهی است که هنوز برای بشر این دوران طی نشده و طوری باید در آن ورود کرد که حضور خداوند را در آن مسیر احساس کنیم.

3- با توجه به این امر، یعنی با توجه به حضور خداوند در زندگی، آیا انقلاب اسلامی ادامه نبوت رسول خدا«صلوات الله علیه و آله» و بعثت آن حضرت نیست؟

4- پیامبران همواره متذکر خطر بی دینی در انسان ها بوده و هستند، خطری که انسان را همیشه نه تنها با خود بیگانه می کند حتی با خود درگیر می‌نماید و آن درگیری در ابدیت به صورت جهنم، انسان را از درون و از بیرون در بر می گیرد.

5- کسی معنای شریعت الهی را درست می یابد و به آن دستورات مقید می شود که خطر بی دینی را درست احساس کند، در آن صورت تلاش می کند در تمام ابعادِ انسانی، چه در ابعاد فردی و چه در ابعاد اجتماعی، انسان متدینی باشد. امری که حقیقتاً در این زمانه، آخرین پیامبر«صلوات الله علیه و آله» از طریق قرآن به خوبی با ما در میان می گذارد.

6- «نبوت» و «نبیّ» در کنار آموزش‌های دینی، نیایش با خدا را به معنای اصیل آن به انسانها متذکر می‌شود تا انسانها خود را در جهانی بسیار گسترده‌تر و لطیف‌تر و آرامش‌بخش، احساس کنند. آیا جهان انسان هایی که اهل نیایش اند را میتوان با جهان تاریک آنهایی که راه نیایش با خدا را از طریق فرهنگ نبوتِ پیامبران نمی شناسند، مقایسه کرد؟ آیا در همین رابطه متوجه ضرورت ارسال پیامبران برای بشریت از طریق حضرت رب العالمین و ضرورت وجود پیوندی که با نیایش، می‌توانیم با پروردگار عالم برقرار کنیم ، نمی شویم ؟

7- اگر دیانتی که «عقل» پشتیبان آن باشد و «قلب» آن را احساس کند، نیاز اصلی بشر نبود ، پدیده پوچی در جهان مدرن چرا به سراغ بشری آمد که خود را در نهایت رفاه احساس می‌کرد و امروزه احساس پوچی به عنوان اصلی‌ترین مشکل زمانه، هرکس را به نوعی به خود مشغول کرده و برای نادیده گرفتن آن و یا عبور از آن، به هر کاری و تلاشی دست میزند. یکی با انواع سرگرمی ها - در عین آن که می داند کارش بی‌فایده است ولی کار دیگری را نمی شناسد- و دیگری با اتصال به عرفان های کاذب، تا در فرار از پوچی، خود را فریب دهد، زیرا متوجه نبوت به عنوان عطای ربّ العالمین که رب انسان‌ها نیز هست، نیستند و اینجاست که جایگاه و حساسیت و ضرورت نبوت، بیش از پیش در جوانِ این زمانه خود را نشان می دهد و ما در این زمانه بیش از پیش باید جایگاه «نبوت» را برای این نسل به عنوان «جهاد تبیین» هرچه بیشتر روشن کنیم.

8- آیا جز این است که هر روز بیش از پیش انسان ها متوجه رازهایی در نزد خود می شوند که تنها و تنها از طریق آموزه‌های انبیا می‌توان با آن رازها در وجود خود کنار آمد و از این همه ابعاد پنهانی که در درون انسان ها هست حیرت کرد و تنها با تبعیت از شریعت الهی میتوان در کنار آن رازها و همراه آنها زندگی کرد؟

9- از رازهایی که بین انسان و خدا هست بگیرید، تا رازهایی که بین زن و مرد و یا بین انسان و جهان در صحنه است، تنها می توان از طریق آموزه ها و راهکار انبیا در کنار آن رازها زندگی کرد، بدون آنکه متوجه حقیقت آنها بود. اگر گفته‌اند زندگی سراسر راز است و تنها خالق جهان و خالق انسان از آن آگاه است، در نسبت بین دستورات شریعت الهی و نتایجی که بیش می آید بیشتر روشن میشود که مثلاً چگونه میتوان بین صداقت و جهانی که مقابل انسان قرار می گیرد رابطه برقرار کرد؟ زیرا رازی در میان است که ما تنها با رعایت دستورات شریعت الهی در کنار آن رازها قرار می‌گیریم، وگرنه اصلِ آن رازها بسی مهم‌تر از ظاهر این دستورات است که ما را دعوت به انجام آن کرده‌اند.

10- آیا به این نکته فکر کرده ایم که در این زمانه تنها زندگی دینی می تواند ما را در همه ابعاد وجودی‌مان، به خود آورد و از خیانتی که می توانیم به خود و زندگی خود روا داریم نجات یابیم؟ آن نوع زندگی دینی کدام زندگی است که نه کَرَخیِ دینداران عادی را داشته باشد و نه پوچی زندگی بی‌دینان را؟ این یعنی با آغازی دیگر به سوی دینداری آمدن، یعنی «يا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنُوا آمِنُوا بِاللَّهِ وَ رَسُولِهِ وَ الْكِتابِ الَّذي نَزَّلَ عَلى‏ رَسُولِهِ وَ الْكِتابِ الَّذي أَنْزَلَ مِنْ قَبْل‏»(نساء/136)

11- آیا به ایمانی که حضرت محمد«صلوات الله علیه و آله» از طریق قرآن و با سیره خود برای ما آورده رسیده‌ایم؟ یا «هنوز نه!» ولی بنای همدلی با پیامبر خدا«صلوات الله علیه و آله» داریم؟ بخش هایی از وجود ما برای ما چه نوع برخوردی را با دین خدا به ما پیشنهاد می‌کند تا در عین دین‌داری، بخش اعظم وجودمان را تاریکی فرا نگیرد؟ آیا بخش اعظم وجود ما «بَشِّرِ الَّذينَ آمَنُوا» و‏ «بَشِّرِ الصَّابِرين‏» و «بَشِّرِ الْمُؤْمِنين»‏ را که حکایت پایداری در دینداری است، با همه مشکلی که به ظاهر در مسیر دینداری پیش می‌آید را شنیده است؟

12- اگر اختیار آدمی به معنای آن است که انسان‌ها، مجبور در سیطره هوس‌ها نمی‌باشند، پس اختیار آدمی تنها در پیوند با خداوند از طریق شریعت الهی به ظهور می‌آید و انسان‌ها حقیقتاً در این رابطه اختیار خود را احساس می‌کنند و این‌جا است که اشاره آیه «لا إِكْراهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَي‏ّ» معنا می‌یابد. به این صورت که آنچه پیامبران آورده‌اند در نسبت با انتخابِ خود انسان‌ها معنا دارد تا بتوانند مسیر رشد و کمال را در مقابل مسیر گمراهی و بی‌ثمری زندگی، خودشان انتخاب کنند تا شخصیت انتخابگریِ آن‌ها به «فعلیت» برسد و در سیطره هوس‌های‌شان نباشند.

13- وقتی متوجه باشیم گشودن قید و بند از پای نفس، برترین فرزانگی است و این کار بهترین و بیشترین بهره را برای انسان دارد؛ می‌فهمیم چگونه خداوند جایگاه رسول خود را این‌چنین معرفی می‌کند: که او «يَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَ الْأَغْلالَ الَّتي‏ كانَتْ عَلَيْهِمْ فَالَّذينَ آمَنُوا بِهِ وَ عَزَّرُوهُ وَ نَصَرُوهُ وَ اتَّبَعُوا النُّورَ الَّذي أُنْزِلَ مَعَهُ أُولئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ»(اعراف/157) انسان ها را از زنجیرهایی که بر پای خود بسته‌اند آزاد می‌کند، پس آن‌هایی که به او ایمان آورند و او را بزرگ دارند و یاری نمایند و از نوری که بر او نازل شده تبعیت کنند؛ آنانی می‌باشند که حقیقتاً شخصیت خود را رشد داده‌اند.

14- تنها با درک حقیقت نبوت است، آن‌هم نبوتِ آخرین پیامبر که می‌توان در مقابل ظلمات آخرالزمان مقاومت کرد. و این بود راز حضور مردم در 22 بهمن‌ماه امسال، که به تعبیر رهبر معظم انقلاب «شنبه‌ای بود تاریخی» و حماسه‌ای بود که مردم با آمدن خود در صحنه حقایق زیادی را بیان کردند، زیرا همین که فهمیدند آمریکا نمی‌خواسته در این صحنه حاضر بشوند،به میدان آمدند. آیا این نوع حضور، همان حضوری نیست که پیامبر خدا مقابل انسان‌ها گشودند تا نسبت به زمانه خود آگاه باشند و با سیره و آموزه‌های پیامبران، ماورای تبلیغات دشمنانِ انسانیت، خود را معنا کنند؟

و این است معنای این‌که امروز بیش از گذشته نیاز به وجود پیامبر خدا«صلوات‌الله‌علیه‌وآله» داریم.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته